راهنمای براندازی جمهوری اسلامی

نویسنده: عزیز غاز (تخلص)

بهار 1404 خورشیدی

به نام ایران

حوادث پاییز 1401 یک چیز را بر عموم ملت ایران روشن ساخت، جمهوری اسلامی رژیمی خونخوار و ضد ایرانی است که تار و پودش از دروغ و جنایت ساخته شده است.

حال پرسش اصلی این است که چه طور از شرّ جمهوری اهریمن اسلامی راحت شویم؟ براندازی جمهوری اسلامی محال نیست ولی سخت‌تر از آن چیزی که به نظر می‌آید می‌باشد.

نخست آن که جمهوری اسلامی سیستم امنیتی چندین لایه و ریشه‌دار در میان اقشار جامعه ایجاد نموده است که به طرز مثال‌زدنی کارآمد است.

دوم آن که جمهوری اسلامی حمایت خارجی متناقض و گسترده‌ای دارد. زمانی که جمهوری اسلامی در خطر براندازی قرار گیرد، حامیان خارجی جمهوری اسلامی یا به طور مستقیم علیه ملت ایران عمل می‌کنند و یا آن که پشتیبانی رسانه‌ای[1] و سیاسی لازم برای نگهداری آن در قدرت را فراهم می‌آورند.

حمایت خارجیِ جمهوری اسلامی توسط طیف گسترده‌ای صورت می‌پذیرد: چریک‌های منطقه‌ای[2]، مزدوران بین‌المللی[3]، لابی‌های شرکت‌های نفتی غربی[4]، سازمان‌های امنیتی کشورهای غربی[5]،

1 این پشتیبانی رسانه‌ای می‌تواند به شکل‌های مختلف همچون دروغ‌پراکنی و یا گمراه‌سازی مخالفان مؤثر جمهوری اسلامی به تصمیمات غلط باشد.

2 حزب الله لبنان، انصارالله یمن، حشدالشعبی عراق، فاطمیون افغان.

3 طالبان افغانستان، شبه نظامیان پاکستانی و بنگلادشی، حماس و جهاد اسلامی فلسطین. القائده و سایر توله‌سگ‌های غربی‌ها.

4 Shell, British Petrollium

5 !!!!!!

الیگارش‌های جنایتکار روسیه، دیکتاتوری نوین ترکیه، کشورهای عربی[۶] حاشیه خلیج‌فارس و شرکای اقتصادیِ ایادی جمهوری اسلامی در غرب و شرق[۷].

سوم آن که جمهوری اسلامی از همه‌ی ابزارهای کنترل اندیشه و شکل‌دهی روان عمومی جامعه بهره می‌برد. متاسفانه جامعه‌ی ایران از لحاظ آموزش

---

6 کشورهای عربی دوست ندارند جمهوری اسلامی با یک حکومت سکولار جایگزین شود. چون باقی ماندن جمهوری اسلامی در ایران را منطبق با منافع خویش می‌دانند. مثلا در حال حاضر قطر چندین برابر سهمش از میدان‌های گازی مشترک برداشت می کند.

از سوی دیگر، دگرگونی نظام اندیشه و سکولار شدن ایران، می تواند آغازگر تحولات گسترده‌تر در نوع اندیشه‌ی مردم خاورمیانه باشد و حاکمان کشورهای عربی طرفدار یک چنین تحولی نیستند.

در ضمن رژیم اسلامی مسلط بر ایران، حس سلطه فرهنگی به عرب‌ها می‌دهد. فراموش نکنیم جمهوری اسلامی یک رژیم عرب-افغان می‌باشد. هرچقدر هم دشمن، همچنان از ملت ایران به عرب‌ها و افغان‌ها نزدیک‌تر است.

7 این حامیان متناقض، می توانند در ظاهر دوست یا دشمن جمهوری اسلامی باشند. حتی ممکن است که در صورت ناامید شدن از نگهداری رژیم، نقشه‌ی جایگزین خودشان را به اجرا گذارند، که شامل تجزیه ایران یا حمایت از تجزیه‌طلبان می‌باشد. همچنان که پیشتر عربستان سعودی از برخی گروهک‌های تجزیه‌طلب حمایت نموده است.

ابزارهای روانشناسی بسیار بی‌سواد است[8]. این امر ملت ایران را نسبت به ترفندهای کنترل روان به شدت آسیب‌پذیر نموده است.

اکنون چه باید کرد؟

نمی‌توان دست روی دست گذاشت و نابودی ایران و ملت ایران به دست اهریمن را تماشا کرد. این نامه نخستین تلاش برای نوشتن یک کتاب راهنمای براندازی مخصوص رژیم جمهوری اسلامی می‌باشد که پس از مطالعه‌ی همه جانبه‌ی جمهوری اسلامی به رشته‌ی سخن درآمده است.

8 پس از انقلاب 57، آموزش علوم انسانی و روانشناسی در مدارس و دانشگاه‌های ایران، محدود و عملا" ناموجود شد. از آنجایی که روانِ بشر آفریننده‌ی جهانِ متمدن است، ندانستنِ دانشِ روانشناسی همچون زندگی در رحم مادر است.

راستگویی و بی‌طرفی محور دستگاه سخن‌پردازی این نویسنده می‌باشد. امید است ایران‌پرستانی که این نامه را می‌خوانند نقدش کنند و با خردِ خویش بسی بر مباحث‌ش بیفزایند. آگاهی لازم برای براندازی رژیم سفاک جمهوری اسلامی را بدست آورند و خویشتن را برای آن روز آماده کنند.

روزی که قلبِ ایران دوباره خواهد تپید و خونِ نیکاها[۹] را در رگ‌های خشکیده‌اش جاری خواهد ساخت. به امید ایران متحد آزاد و یکپارچه[۱۰].

من با همین چشمانم، سقوط رژیم سفاک جمهوری اسلامی را می‌بینم. به شما ایادی جمهوری اسلامی

9 نیکا دختری با دستان بلند که از داخل قبر هم یقه‌ی قاتلین خویش را رها نمی‌کند و با کشتن‌ش از دست‌ش خلاص نشده‌اند.

10 Centralized governed United Free Iran.

اخطار می‌دهم: "از زمان جنگ لذت ببرید، زیرا زمان صلح خونین خواهد بود".

این کتاب کاملا" ***رایگان*** در اختیار فارسی‌زبانان و ایرانی‌ها قرار می‌گیرد. این کتاب به طور جزئی و یا کُلی رایگان است. چنانچه سخنی از این نویسنده را جایی بازگو می‌نمایید ذکر منبع فراموش نگردد.

سال 1404 خورشیدی برابر با 1394 سال که از تاجگذاریِ شاهنشاه ایران، یزدگرد ساسانی می‌گذرد. آن شاه جوان همواره در قلب ایرانیان زنده است و ایشان را سویِ آینده‌ای روشن رهنمون می‌دارد.

/ عزیز غاز (تخلص)

ساختار مبارزه

ساختار مبارزه بر چهار اصل استوار است:

1- هر سرباز یک ارتش.

از آنجا که دستگاه‌های امنیتی جمهوری اسلامی بسیار گسترده است، نخستین اصل را بر "اعتماد به **هیچ-کس**" باید گذاشت.

تا آنجا که ممکن است مستقل و تنها عمل کنید. خودتان نقشِ خدا قاضی فرمانده و سرباز را بازی کنید. این استراتژی می‌تواند مؤثرتر علیه رژیم عمل نماید. زیرا نیروی سرکوبگر رژیم متمرکز عمل می-کند، مبارزانِ پراکنده و غیرقابل پیش‌بینی، چترِ سرکوب را تا حد پارگی گسترده می‌سازند.

حتی بهترین دوست و یا عضو خانواده هم امکان دارد که خواسته یا ناخواسته خبرچینی شما را کند.

فراموش نکنید که مهم‌ترین چیز، حفظ سلامتی و گمنامی شما می‌باشد. **قتلِ**[11] شما هدف اصلی دستگاه رژیم می‌باشد.

شاید بگویید چرا باید گمنام بمانم؟

جادوی اصلیِ مبارزه، گمنامی است. تا زمانی که رژیم شما را شناسایی نکرده است از شما می‌ترسد، چون نمی‌داند چه تعداد هستید و چه توانایی‌هایی دارید. این به شما عنصر **غیرقابل پیش‌بینی** بودن را می‌دهد.

---

11 دستگیری برابر مرگ می‌باشد.

مبارزانی همچون نیکا، یک بار در هر قرن به دنیا می‌آیند. وقتی کشته می‌شوند جایگاه‌شان تا مدت‌ها خالی می‌ماند. جمهوری اسلامی این را به خوبی می‌داند.

فقط دوستان یا اهل فامیلِ قابل اعتماد را همکار یا مطلع مبارزات خویش گردانید. تا آنجا که می‌شود حلقه افرادی که شما را به عنوان یک مخالف رژیم یا مبارز می‌شناسند را **کم تعداد** نگه دارید.

2- شبکه‌ی تارعنکبوتی.

اگر از سرکوبگران یا خبرچین‌های رژیم کسی را شناسایی کردید، او را روی اینترنت (اینستاگرام، ایکس، یوتیوب) معرفی نمایید. حتی مهره‌های کوچک رژیم همچون سرکارگرها و رییس‌های دون‌پایه را نیز رسوا کنید.

فراموش نکنید که از VPN استفاده کنید و حساب کاربری‌تان با نام مستعار باشد.

باید جهان را برای طرفدارانِ رژیم ناامن کنیم. فراموش نکنید که سرکوبگران و خبرچین‌های رژیم **ترسو** هستند. کسی که دیگران را شکنجه می‌دهد بیشتر از همه از شکنجه می‌ترسد.

آگاهی از هویت رژیمی‌ها، شبکه‌ای از تار عنکبوت ایجاد می‌نماید که در ظاهر سست و ضعیف است ولی در عمل این حشرات خون‌آشام را محدود و مختل می‌سازد.

3- سرعت تصمیم.

وقتی آن روزِ عمل علیه رژیم فرا می‌رسد، هزاران نفر ظرف مدت کوتاهی درگیر مبارزه و مخالفت با رژیم می‌شوند. رژیم تمامی امکانات سرکوب، تزویر و

حامیان‌ش را برای جلوگیری از هرگونه انقلاب به کار خواهد بست. این به معنای **نبرد** است.

در زمان نبرد از تک‌تک مبارزان انتظار می‌رود که پیوسته تاکتیک و راهکارهای مبارزاتی را، وابسته به شرایط تغییر دهند.

- برای دو روز متوالی یک حرکت را تکرار نکنید.
- به محض دیدن خطر تغییر رفتار بدهید.
- بدون دخالت احساسات، تصمیم‌هایی سریع قاطع و خردمندانه بگیرید.
- همواره گمنامی و نامرئی بودن پیشه کنید.
- نام مبارزانِ کُشته یا دستگیر شده را پراکنده و بلند سازید.

4- شدت عمل.

آدم‌کش‌ها و خبرچین‌های جمهوری اسلامی هرگز به شما رحم نمی‌کنند. ایشان انسانیت سرشان نمی‌شود.

در چنین نبرد نابرابری چاره‌ای جز شدت عمل نیست.

تا لحظه‌ی پیروزی کامل **اسیر نگیرید.**

یعنی اگر یک وابسته‌ی رژیم را شناسایی کردید به هر طریق ممکن، به او آسیب بزنید.

هر کسی به هر عنوان، در مقابل ملت ایران قرار گرفت، **باید کُشته شود.** چون بخشی از دستگاه سرکوبِ رژیم می‌باشد.

- بهترین حالت این است که او را به هلاکت برسانید.

- اموال، خودرو، مغازه یا خانه‌اش را آتش بزنید.
- هرگز مرتکب تعرض یا تجاوز جنسی نشوید که نژاد و نامِ پاک شما را آلوده می‌سازد.

بردارهای گرایش

هر انسانی در واکنش به یک جریان یا جنبشِ اجتماعی-سیاسی در یکی از این سه حالت ظاهر می-شود:

مبارز، تماشاچی، سرکوبگر.

- شما مبارز هستید.

- توله‌سگ‌های جمهوری اسلامی، از اراذل و اوباش گرفته تا آقازاده‌ها، سرکوبگر هستند زیرا منفعت مالی فراوانی از برکتِ وجود رژیم می‌برند.

- ولی بخش بزرگی از مردم عادی، تماشاچی هستند. هرچند به طور واضح می‌بینند و می‌دانند که رژیم جمهوری اسلامی اهریمنی است لیک کاری انجام نمی‌دهند و فقط به غرغر کردن بسنده می‌کنند. برای تحلیل رفتار تماشاچیان، بردارهای تمایل و انصراف را تعریف می‌کنیم.

بردارهایی که دلایل فرد برای تبدیل شدن به یک مبارز هستند بردار تمایل می‌نامیم.

در مقابل، بردارهایی که ترس‌ها و تردیدهای فرد برای باقی ماندن او به عنوان یک تماشاچیِ مظلوم می‌باشند بردار انصراف می‌نامیم.

برآیند بردارهای تمایل و انصراف جهت‌دهی فرد در خلال یک جنبش و انقلاب را تعیین می‌نماید.

مردم ایران دلایل فراوانی برای نفرت از جمهوری اسلامی دارند ولی جمهوری اسلامی، به عنوان رژیمی که ارکان و نیازهای زندگانیِ مردم را کنترل می کند، قادر است که بردار انصراف را همواره بزرگتر از تمایل نگه دارد.

بردارهای انصراف عبارتند از:

1- ترس از آسیبِ جسمی.

قتل مخالفان و مبارزان برای جمهوری اسلامی امری عادی می‌باشد. ایادیِ جمهوری اسلامی مثل آب خوردن آدم می کُشند. علاوه بر آدمکشی، جلادان جمهوری اسلامی انواع و اقسام شکنجه‌های جسمی را علیه افراد به کار می‌بندند.

تاب خوردن بر بالای **دار** خنده‌دار نیست، ترسناک است. شکنجه هم که می‌تواند بدتر از مرگ باشد.

نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی یک چیز را به خوبی فراگرفته‌اند. برخی از مبارزان، لیدر و فرمانده‌ی مادرزاد[۱۲] هستند. بنابراین به طور فعال، لیدرها را جستجو می‌کنند و به محض یافتن، نابودشان می‌کنند. تعداد کسانی که لیدر زاده شده‌اند، محدود است. مرگ لیدرها، آغاز شلوغی یا سازمان‌دهی آن را سخت می‌سازد[۱۳].

12 این مبارزان ترس کمتری حس می‌کنند. وضوح و روشن فکری بدون هیچ سختی در ایشان تداعی می‌نماید. نیکا یکی از چنین افرادی بود.

13 اتفاقی که طی چند دهه‌ی اخیر تکرار شده این است که، غربی‌ها مخالفان خارج‌نشین را تحریک می‌کنند تا مردم را برای ناآرامی و اعتراض فراخوان دهند. ولی خود مخفیانه با جمهوری اسلامی توافق می‌کنند. در نتیجه لیدرهای فراوانی در خیابان‌های ایران کشته می‌شوند. غربی‌ها به منافع‌شان می‌رسند، مخالفان خارج‌نشین ضایع و سرخورده می‌شوند، ملت ایران سرکوب می‌شود.

2- ترس از دست دادن شغل، به دلیل سوءسابقه.

شغل‌های حال حاضر ایران حقوق چندانی[14] ندارند ولی گذرانِ زندگانی به پول نیازمند است. بیشتر ملت عادی ایران به طور عمومی فقیر گشته‌اند و کمترین دردسر می‌تواند یک خانواده را کاملا ورشکسته و حتی بی‌خانمان نماید.

صاحبان صنایع و شرکت‌ها، مدیران و سرکارگرها[15]، حامی و طرفدار رژیمِ سفاکِ جمهوری اسلامی هستند. اگر یک مبارز یا مخالفِ رژیم را شناسایی

من فکر نکنم که این بازی برای مدت طولانی به نفع آمریکا تمام شود. ایادی جمهوری اسلامی همکاری گسترده‌ای را با چینی‌ها آغاز نموده‌اند، این همکاری از آنچه در ظاهر دیده می‌شود عمیق‌تر است. این جاده به سقوط خاورمیانه در دامان چینی‌ها ختم می‌شود. همین حالا هم دیر شده است ولی غرب در خواب خرگوشی است.

14 آب باریکه هستند.

15 فقط افرادی که از خانواده‌های آخوندزاده، آقازاده، سپاهی، تولیت امامزاده یا خانواده شهید هستند، پست و منصب می‌گیرند یا توانسته‌اند یک بیزینس را در ایران آغاز کنند.

کنند در جهت اخراج، خبرچینی و حتی حذفِ فیزیکیِ آن فرد گام برمی‌دارند.

بسیاری از مردم ایران، به خاطرِ همین آب باریکه تماشاچی می‌مانند و هرگز جرأت نمی‌کنند دست به کار شوند.

این در حالی‌ست که شغل‌هایی با این همه اضافه-کاری، حقوق کم و بیمه‌های تکمیلیِ گران‌قیمت، توهم و سایه‌ای بیش نیستند.

3- ترس از آسیب به امتیازات قانونی:

جمهوری اسلامی با در اختیار داشتن نهادهای قانون-گذار و اجرایی قادر است که دردسرهای فراوان حتی برای مبارزان پولدار و مشهور ایجاد نماید.

ضبط پاسپورت، درگیری با نهادهای به اصطلاح قانونیِ رژیم، لغو مجوز کسب و کار، اخراج از دانشگاه، اتهام ارتداد و فحشا و بی‌آبرو کردن، شکستن سنگ قبر اعضای خانواده، پرونده‌سازی بی-مدرک و بی‌سروته.

4- ناامید ساختن مخالفان از براندازی، امیدوار کردن تماشاچیان به آینده‌ی بهتر جمهوری اسلامی:

جمهوری اسلامی استاد امید و ناامیدی واهی است.

فقیر نگه داشتن مردم یک خوبی دارد، ملت همیشه منتظرند تا گشایشی در زندگی‌شان اتفاق بیفتد. پسرها منتظرند تا بالاخره بضاعتی کسب کنند و ازدواج کنند. دخترها هم منتظرند تا شاید شاهزاده‌ای با ماشین سپید

خواستگاری‌شان بیاید. چنین احساسات طبیعی و ژرفی، بسیار راحت قابل سوءاستفاده می‌باشد.

طی تمام مدتِ زمامداری جمهوری اسلامی، اقتصاد پیوسته در حال سقوط بوده است، گاهی آرامتر و اکثر مواقع سریعتر.

جمهوری اسلامی از سقوط اقتصادی به صورت یک اسلحه روانی استفاده می‌نماید. مردمِ در حال فقیر شدن را بازی می‌دهد. پیوسته شایعه و تبلیغات را به کار می‌بندد و قیمت ارز و اقلام اساسی جامعه را همنوا با نمایش بهتر یا بدتر شدن روابط با آمریکا یا غرب یا شرق بالا و پایین می‌برد.

مذاکرات هسته‌ای، احتمال جنگ با اسرائیل، درگیری مرزی با طالبان، انفجار رندوم[16] در یک زیرساخت. اقتصاد ایران را همچون قطار شهربازی مدام بالا و پایین می‌برد.

ترس از ریزش دوباره اقتصاد یا امید به موفقیت مذاکرات هسته‌ای باعث گونه‌ای از چشم انتظاری بی-پایان گشته است. اکثر مردم بی آنکه بدانند همه عمرشان معطل می‌گذرد و هیچ گاه فعالانه دست به مبارزه یا اقدامی برای دگرگونی جامعه خویش نمی‌زنند.

مذاکرات بی‌پایان با غرب و قراردادهای بیست و چندساله با شرق، تاثیر روانی بر مخالفان فعال نیز دارد.

---

16 مدیریت از طریق بحران

زیرا غرب و شرق به طور عیان جمهوری اسلامی را به عنوان حکومت قانونی ایران تایید رسانه‌ای می‌کنند و حس حقارت و ناچیز بودن را به مخالفان و مبارزان می‌دهد.

جمهوری اسلامی همواره القا و تبلیغ می‌نماید که اگر سقوط کند، کشور تجزیه می‌شود. حتی به گروه های جدایی‌طلب پول می‌دهد تا به طور علنی علیه جمهوری اسلامی اقدام کنند و در صف اول مخالفان ظاهر شوند. بدین گونه مردم را از آینده بدون جمهوری اسلامی می‌ترساند.

جمهوری اسلامی میلیون‌ها افغان را به کشور وارد نموده تا هم از میان‌شان چماقدار مزدور و سیاه لشکر استخدام کند و هم عرصه را بر ملت ایران تنگ نماید.

ملت ایران را تهدید می‌کند که اگر مخالفت کنید، هرج و مرج می‌شود. افغان ها کشور را به مانند سقوط صفویان تصرف می‌کنند و جنایت‌ها حادث می‌گردد.

مساله دیگر ترسی است که از سقوط اخلاقی و فرهنگی موجود است و جمهوری اسلامی پیوسته به آن دامن می‌زند. جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام اخلاقی بر پایه اسلام و معنویات کار خودش را آغاز نمود. هرچند منحط، همچنان مردم را از سقوط اخلاقی می‌ترساند. فراموش نکنیم که مهمترین چیزی که هرگز نظام پهلوی نتوانست به آن دست یابد درک درست از اخلاقیات ملت ایران بود. رژیم با بهره برداری از سابقه نظام پهلوی در عدم ارتباط درست با اخلاقیات ملت، توانسته بیش از چهل سال خودش را

اخلاقی‌تر جلوه دهد. حال آنکه رژیم جمهوری اسلامی در بطن خود بسیار فاسد و دور از اخلاقیات ایرانی می‌باشد[۱۷].

چگونه تمایل به مبارزه را قوی کنیم؟

همه‌ی ما از ظلم روز افزونِ رژیم آگاهیم ولی عده‌ای هرگز دست به کار نمی‌شوند و تماشاچی باقی می-مانند. چاره چیست؟

چاره ساده است! باید بردارهای انصراف را، که در بخش پیشین اشاره شد، تضعیف کنیم.

17 اخلاقیات ایشان، عربی است.

1- خشونت و مجازات:

برای آنکه با خشونت جمهوری اسلامی مبارزه کنیم چاره‌اش خشونت و مجازات لاشی‌های رژیم است.

اگر یکی از ما را می‌کُشند ده تا از ایشان بکشیم. اگر یک نیکا را به قتل رساندند، یک گله از خوک‌های رژیمی را زنده زنده پوست بکنیم و بخوریم.

اموال و هر چیزی که به این جانوران رژیمی مربوط است را به آتش بکشیم. آرام و قرار را از ایشان بگیریم تا هزینه‌ی خیانت به ملت ایران را افزایش دهیم.

تا زمان پیروزی کامل فقط خون می‌ریزیم و هیچ سخنی از مصالحه و بخشش نخواهد بود. این خشونت باعث خواهد شد که توله سگ‌های رژیم در ازای

خبرچینی و آدم کشی مجازاتی را حس کنند و شاید برخی‌شان در مواضع خویش تجدید نظر کنند.

فقط هیچ گونه تعرض یا تجاوز جنسی انجام نمی‌دهیم چون شأن ما بالاتر از این حرف‌هاست.

اگر ما از ایشان بکشیم، لااقل وقتی بازداشت و شکنجه می‌شویم حسرت نخواهیم خورد. در ضمن مطمئن باشید که اگر یکی از ما را بازداشت کنند پوستش را می‌کنند. این خوک‌های رژیم، انسانیت سرشان نمی‌شود. بیایید جهنمی بر پا کنیم که به داغی خون نیکاها بجوشد. خون فقط با خون پاک می‌شود.

2- آزادسازی از توهم:

برای آنکه ترس از دست دادن شغل و آب باریکه را در ملت از بین ببریم، می‌بایست منبع توهم را پاک کنیم.

معضل اصلی کشور ما، جمهوری اسلامی است. صنایع دکوری و پیش افتاده‌ی حال حاضر کشور، ارزشی ندارند و با قوانین کار ظالمانه و ناقض، هیچ فایده‌ای برای ملت ایران ندارند.

درضمن، حقوق کم و ساعات اضافه کار طولانی توسط صاحبان رژیمیِ صنایع، به صورت یک سلاح علیه ملت ایران استفاده می‌شود و هدفش مشغول نگه داشتن مردم، تلف کردن وقت و درنهایت محافظت از رژیم می‌باشد.

پس از ده‌ها سال خودمونی‌سازی، رانت‌بازی و نبود بازار آزاد و منصفانه، کارخانجات و صنایع ایران همگی متعلق به خوک‌های رژیم می‌باشد.

هر کارخانه هزاران کارگر دارد که همچون برده در خدمت جنایتکاران رژیم هستند. آتش زدن کارخانه‌ها و صنایع، این انسان‌ها را از توهم آب باریکه آزاد می‌کند و می‌توانند برای آزادسازی خویش از بردگی به مبارزه بپیوندند.

چند نکته که در آتش زدن کارخانجات و صنایع باید رعایت شوند.

یک - اولویت امنیت شما و گیر نیفتادن خودتان است.

یادتان باشد، کارخانه نمی‌تواند فرار کند. تا وقتی دستگیر نشده‌اید می‌توانید به شکار آن اقدام کنید.

هیچ وقت دو بار از یک محل حمله نکنید. در صورت عدم موفقیت مدت زمانی دست به کاری نزنید تا آب ها از آسیاب بیفتد.

دو - اقدامات شناسایی انجام دهید.

اطراف کارخانه ها دوربین و نگهبانان محسوس و نامحسوس دارد، حتما پیش از اقدام به شناسایی این مسائل بپردازید.

خوب محل را مطالعه کنید و درباره روتین‌ها، محل وسایل، چیدمان افراد و خیابان‌های اطراف اطلاعات کسب نمایید.

سه - آسیب دیدن افراد تماشاچی را بپذیرید.

تلاش کنید در زمان‌های تعطیل یا خلوت اقدام به عملیات کنید تا میزان تلفات افراد عادی به حداقل برسد. ولی بهرحال باید پذیرفت که ممکن است عده-ای آسیب ببینند.

چهار - نقطه مناسب برای ضربه‌زدن را انتخاب کنید.

کارخانجات ایران، بسیار غیر اصولی و بدون رعایت ایمنی ساخته شده‌اند. فقط کافی است وسایل پلاستیکی، گرانول پلاستیک، محصولات سوختی و غیره را آتش بزنید. آتش خودش به جاهای دیگر سرایت می‌کند.

اگر محل تلنبار وسایل سوختنی را در داخل کارخانه می‌دانید، از پشت دیوار اقدام به انداختن کوکتل مولوتوف به داخل کنید و فرار کنید.

پنج - خشن باشید، چون رژیم و سگ‌های نگهبان‌ش رحم و انسانیت ندارند.

اگر با نگهبانان یا محافظان کارخانه روبرو شدید، ایشان را آسیب بزنید و ناکار کنید. چون نگهبانان و حراست وابسته رژیم هستند، استخدام در شغل‌های حراستی بدون ارتباط با رژیم ممکن نیست.

شش - نقشه خوبی برای عمل‌تان طرح‌ریزی نمایید. احساساتی عمل نکنید.

نقشه شما باید شامل راه ورود، نحوه آتش زدن کارخانه یا شرکت، راه خروج و جلوگیری از شناسایی شدن باشد.

هفت – کارخانه یا شرکت مناسب را برای عمل‌تان انتخاب کنید.

کارخانجات حومه تهران در شهریار کرج ورامین اسلامشهر و جاده امام رضا طعمه های خوبی هستند.

کارخانجات حومه شهرهای بزرگ دیگر هم می توانند هدف قرار بگیرند. کارخانه‌ای را برای آتش‌زدن انتخاب کنید که از طریقی با نقشه آن، یا راه‌های اطرافش آشنایی دارید.

ادارات اهداف سخت‌تری هستند چون در محدوده شهری قرار دارند و راه های فرار کمتری در اطرافشان موجود است.

مراکز استخراج نفت و گاز اهداف سختی هستند چون به شدت امنیتی می‌باشند. حمله به آنها خطرناک و بی-نهایت دشوار است. اگر ممکن بود به آنها آسیب بزنید تا حامیان خارجی رژیم از نفت ارزان محروم شوند.

زیرساخت های اصلی کشور همچون نیروگاه‌ها سدها و تصفیه خانه‌های آب نباید **هرگز** مورد هدف قرار گیرد. زیرا خرابی آنها جبران ناپذیر است و درضمن تعداد کسانی که بر اثر آنها بیکار می‌شوند ارزش آسیبی که به کشور می‌خورد را ندارد.

در فاز نهایی انقلاب، این مراکز باید به دست مبارزان تصرف شود.

هشت – تا چه زمانی ادامه می‌دهیم؟

از میان بردن کارخانجات و مراکز کار کشور، تا زمانی ادامه می‌یابد که تعداد کافی از افراد برای پیوستن به انقلاب محیا گردد و رشته امور از دست رژیم خارج شود. از آن پس، ملت خودشان کار و شغل‌شان را ترک می‌کنند و به انقلاب خواهند پیوست.

۳- ناامید ساختن حامیان خارجی و داخلی جمهوری اسلامی از کارایی رژیم برای کنترل اذهان ملت ایران:

همانطور که همه ما می‌دانیم، حامیان رژیم طیف بسیار گسترده‌ای دارند و به دلایل گاه متناقض خواهان نگهداری این جنایتکاران بر مسند قدرت ایران هستند.

باید حامیان غربی رژیم، ناکارایی رژیم برای کنترل ذهن ایران را ببینند تا در حمایت مطلقش تردید نمایند.

موارد زیر شاید ایده‌ای برای چیزی که باید انجام شود، به شما بدهد.

یک – نوشتن کامنت و پست‌های **انگلیسی** درباره‌ی واقعیت‌ها در اینترنت.

اگر توجه کرده باشید، اخبار فارسی و انگلیسی، شبکه‌های اجتماعی فارسی و انگلیسی به شدت از یکدیگر جدا هستند. مخاطبان انگلیسی زبان فقط آنچه دولت‌های غربی و شرقی می‌خواهند را می‌شنوند و می‌خوانند که هرگز شامل صدای ملت ایران نیست.

زبان انگلیسی را به کار ببندید و صدای ملت ایران باشید.

در یوتیوب[18]، اینستاگرام، فیس‌بوک و بخش کامنتهای اخبارهای RT، گاردین و هر جای ممکن حتی Chatgpt و Deepseek، به انگلیسی بیان کنید که:

1. جمهوری اسلامی حکومت قانونی ایران نیست و اصلا ایرانی نیست.

2- تصمیمات و سخنان رژیم هیچ ربطی به ملت ایران ندارد. ایشان یک رژیم اشغالگر هستند که از تروریست ها آدم کش‌ها و دزدان تشکیل شده‌اند و ضد ایران هستند.

18 زیر اخبار و ویدیوهای انگلیسی مربوط به حوادث ایران.

3- رژیم جمهوری اسلامی متشکل از آخوندهای عراقی و مزدوران افغانی[19] است. اصلا ایرانی نیست.

4- دوستی مردمِ عادی ایران با مردم اسرائیل و علاقه-شان به دموکراسی را اظهار نمایید.

5- آرزوی ایرانی ها برای حکومتی دموکراتیک آزاد یکپارچه و متمرکز (centralized) را توضیح دهید.

6- حتما به زبان انگلیسی توضیح دهید که ایادی جمهوری اسلامی و فرزندان‌شان پاسپورت کشورهای غربی و میلیاردها دلار پول در بانک‌های غربی دارند. ایشان با استفاده از پول و پاسپورت، اقدامات

19 به طور مثال: علم‌الهدی، افغانی است. برادران لاریجانی و خامنه‌ای، عراقی هستند. پزشکیان، اهل شمال عراق است. خمینی، هندی بود.
شرط می‌بندم، می توانید اصلیت افغانی و عراقی تک‌تک ایادی جمهوری اسلامی را بیابید.

تروریستی و خرابکاری در کشورهای غربی انجام می-دهند[20].

فراموش نکنید که هویت و نام خویش را پنهان نگه دارید و از VPN استفاده کنید.

دو – اسرائیل، یک دوست باستانی.

دوستی ایرانی‌ها و اسرائیلی‌ها یک امر ذاتی است. دلیلش نزدیکی تاریخی ماست.

در ضمن، کشور ایران نزدیک‌ترین منافع ملی و استراتژیک منطقه‌ای را به اسرائیل دارد.

20 مثلا آتش‌سوزی‌های لوس‌آنجلس در سال 2025. سپاهی‌ها خوشحال درباره پرداخت پول به خرابکاران برای گسترش آتش سخن می گفتند.

عده‌ی فراوانی از ایرانیانِ یهودی در اسرائیل زندگی می‌کنند که پیوندِ ناگسستنی میان دو ملت ایران و اسرائیل را مستحکم‌تر می‌سازند.

رژیم جمهوری اسلامی، تلاش می‌کند ملت ایران را از دوستان قدیمی خویش جدا نگه دارد و دشمن جلوه دهد تا ایرانیان ضعیف ایزوله و بدون دوست باقی بمانند و راحت‌تر استثمار گردند.

سه – مساله هسته‌ای.

یکی از مسائل روز تجهیزات هسته‌ای و اتمی جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی می‌خواهد به بمب اتمی دست یابد تا حکومت خودش را ابدی نماید[۲۱].

21 ایشان به دروغ درباره کاربردهای غیرنظامی آن سخن می گویند تا ملت را گول بزنند.

ایادی رژیم، پیوسته درباره اینکه رژیم سفاک Kim بر کره شمالی سلطه بی‌چون و چرا دارد، رویاپردازی می‌کنند و می‌خواهند رژیم جمهوری اسلامی مانند دیکتاتورِ کره شمالی برای ابدیت حکومت کند.

این مساله باید اطلاع رسانی شود. به انگلیسی و فارسی اطلاع رسانی کنید که این خوک‌ها چه هدف مخوفی را دنبال می‌کنند.

درباره اینکه مردم کره شمالی چقدر بدبخت و برده شده‌اند، اینترنت و استاندارد زندگی ندارند، اطلاع-رسانی کنید.

چهار – موضوعات مهم پسا جمهوری اسلامی.

آگاهی را گسترش دهید. همگان را آگاه سازید که جمهوری اسلامی مشکل اصلیِ ایران است و عبور از آن نخستین بخش راه حل است.

وظیفه رهبران و لیدرهای مخالف جمهوری اسلامی پیچیده‌تر از دیگران می‌باشد. رهبران و کسانی که به عنوان مخالف رژیم دارای تریبون می‌باشند باید که دوران پسا جمهوری اسلامی را با صراحت و بدون گریز از موضوعات مهم شرح دهند.

در صورتی که موضوعات مهم برای دوران پساجمهوری اسلامی صادقانه روشن گردند، امید واهی رژیم رنگ خواهد باخت و مردم با خیال راحت به مبارزه می‌پیوندند.

موضوعات مهم که می‌بایست از هر لحاظ حل و فصل شوند:

1 - یکپارچگی سرزمینی ایران.

یکپارچگی سرزمینیِ ایران و حکومت متمرکز باید در سرلوحه تبلیغات مخالفان باشد. هیچ چیز بیش از فروپاشی ایران، ایرانیان را نمی‌ترساند.

جمهوری اسلامی سال‌هاست که از این ترس بهره-برداری می‌کند. رهبران مخالف رژیم، باید آگاه باشند. پیوسته و صریح ایران یکپارچه و متمرکز را در سخنان‌شان بیان کنند.

ترس فراوانی وجود دارد که آمریکایی ها در منطقه‌ای از ایران لانه کنند و به بهانه حقوق اقلیت نژادی به بهره برداری از معادن و نفت کشور بپردازند و عملا

یکپارچگی سرزمینی را از بین ببرند. این نگرانی واقعی است و ریشه در تجزیه سوریه و عراق توسط آمریکایی‌ها دارد. این مساله باید مورد بحث قرار گیرد، برای آن راه حل‌های مناسب و عملی ارائه گردد و عزم راسخ لیدرها در جلوگیری از آن تحت هیچ شرایطی به نمایش گذاشته شود.

2- استحکام دوباره مرزهای کشور.

مرزهای کشور مستحکم گردد، عبور مرور افغانی‌ها عراقی‌ها و پاکستانی‌ها قانونمند گردد. همه‌ی افغان‌ها[۲۲] و پاکستانی‌ها که موقعیت‌های شغلی، خانه‌ها و

---

22 با وجود این همه افغانی، خطر تغییر نژادی و فرهنگی رادیکال کشور را تهدید می کند. متاسفانه عده‌ای از مردم فقیر اصفهان و مشهد، دختران خود را به افغان‌های موادفروش فروخته و می‌فروشند. این مساله به تهدیدی امنیتی برای کشور تبدیل گشته است. زیرا موادفروش‌های افغان را صاحب پاسپورت ایرانی نموده است. می‌بایست که دادن پاسپورت ایرانی به خارجی‌ها قانونمند گردد. درحال حاضر جمهوری اسلامی از فروش پاسپورت ایرانی منبع درآمد ایجاد کرده است.

خیابان‌ها را پر کرده و زندگی را برای ملت ایران سخت کرده‌اند از ایران اخراج شوند.

هیچ گونه حق کاپیتولاسیون عجیب و غریب برای خارجی‌ها غربی یا شرقی یا مستشار[23] قرار داده نشود. این مساله مهم است، از آنجا که بسیاری از لیدرهای مخالف در خارج کشور زندگی می‌کنند یا از پلتفرم‌های خارجی‌ها برای رساندن صدای خود استفاده می‌نمایند، باید مواظب باشند که به بازیچه خارجی‌ها بدل نشده باشند.

3 - گشایش اقتصادی.

23 به جز حقوق عرف بین‌الملل برای دیپلمات‌های سفارت‌ها.

پیش از آغاز تحریم‌های دهه‌ی ۱۴۰۰، ایران یکی از چهار فروشنده‌ی برتر نفت جهان بود[۲۴]. شفافیت درباره درآمدهای نفتی و معادن کشور باید حتما در حکومت بعدی موجود باشد.

ساختار ضد فساد اقتصادی و ضد رانت‌بازی، بازدارنده‌ی خارجی‌ها از صاحب شدن زمین‌ها، معادن و صنایع کشور باید برای حکومت بعدی پیش بینی گردد.

4 - حقوق شهروندی.

یک حکومت سکولار که با قوانین منطقی و برپایه دانش و فرهنگ ایرانی‌ست، ایجاد گردد. قوانین سکولار که همه‌ی ایرانیان دارای کارت ملی را

24 این را همه می‌دانند.

مساوی در نظر بگیرد. پارتی‌بازی نژادبازی و دین بازی را تعطیل نماید.

زبان فارسی ستون فقرات فرهنگ ایران محسوب می‌گردد. تدریس زبان فارسی به تمامی نفوس ایرانی و یکسان نمودن زبان و فرهنگ ایشان همانند آنچه رضاشاه کبیر انجام می‌داد در برنامه قرار بگیرد.

متاسفانه جمهوری اسلامی برای جداسازی ملت ایران، بخش‌هایی از کشور را در فرهنگ عقب مانده نگه داشته است. می‌بایست حتی دورترین دهات ایران هم لباس‌های تهرانی بپوشند و به زبان فارسی بدون لهجه مسلط باشند. لهجه‌ها و زبان‌های محلی باید زدوده شوند.

5- قوانین کار.

قوانین کار و قوانین ناظر بر رفتار کارفرمایان با کارگران و کارمندان باید به شدت تصحیح و بررسی شود.

در حال حاضر کارگران ایرانی عملا برده هستند. حقوق‌شان ناچیز است، همچون حیوانات با ایشان رفتار می‌شود. قراردادهای استخدام مسخره و بدون هیچ الزام معنادار هستند.

قراردادهای کارگران یکماهه است! هیچ‌کس نمی-تواند زندگی‌اش را بر مبنای قردادهای یکماهه برنامه-ریزی کند، چنین قراردادهای کوتاهی، توهینی به شعور کارگران می‌باشد.

پول نفت توسط عده ای از ایادی رژیم در صنایع رانتی غارت می‌شود و ایشان هزاران منت بر سر کارگران می‌گذارند که ما اشتغال‌زایی کرده‌ایم و لطف کردیم که بابت شندرغاز کارگران را استخدام می‌کنیم.

اتحادیه‌های صنفیِ غیرسیاسی و فقط براساس منافع اقتصادی صنف مربوطه، مانند کشورهای اروپای شمالی، تشکیل گردد.

6 - ارتباطات بین المللی.

ایران قلب ایرانیان است و ایرانیان قلب جهان متمدن. منافع ملی ایران باید مرکز مناسبات سیاسی و نظامی کشور قرار گیرد.

پایان دادن به هرگونه تروریست‌بازی و حمایت بی-جهت از این گروه و آن گروه باید سرلوحه حکومت

دموکراتیک و سکولار ایران باشد تا ایرانیان در آرامش زندگی کنند و هیچگونه برخورد غیر لازمی با همسایگان یا دیگر کشورها نداشته باشند.

مناسبات و تبادلات سیاسی و فرهنگی با کشورهای دارای دموکراسی واقعی همچون کشورهای اروپای شمالی مانند سوئد می‌تواند به یادگیری ملت و دولت ایران درباره دموکراسی کمک کند.

پیمان های نظامی و سیاسی باید با توجه به منافع کشور صورت پذیرد.

7 - سیستم حکومتی.

سیستم حکومت مرکزی متمرکز[25] سکولار به صورت پارلمانی یا ریاست جمهوری می‌تواند معرفی گردد.

[25] Centralised

حتی وجود یک پادشاه نمادین بدون قدرت سیاسی و نظامی، برای تضمین وحدت ایران می‌تواند بیان گردد.

مهمترین چیزی که حکومت ایران نیاز دارد ساختار مبارزه با رانت و فساد اقتصادی است[۲۶]. زیرا درآمد نفت و معادن کشور ایران بسیار زیاد است و به راحتی دچار آلودگی رانت و پارتی‌بازی می‌گردد.

سیستم قضایی متجدد قانونمند منطقی مستقل و موثر مهمترین بخشی است که در حکومت پس از جمهوری اسلامی نیاز می‌باشد.

---

26 سیستم سیاسی پاره‌پاره فدرال و خودمختاری، رانت و پارتی‌بازی بدتر از جمهوری اسلامی ایجاد خواهد نمود. زیرا عملا دست سیستم نظارتی را از جاهای مختلف کوتاه می‌کند و گروهک‌ها می‌توانند منافع اقتصادی یک منطقه را مونوپولی کنند. چنین فساد ریشه‌داری را خانواده بارزانی در شمال عراق ایجاد کرده‌اند.

8 - ساختار فرهنگی.

فرهنگ ایرانی تا حدی محافظه کار است. ما نمی-خواهیم اشتباهات پهلوی دوم را تکرار کنیم و دو قشر غربگرا و مذهبی ایجاد کنیم که در نهایت به فاجعه ختم شود.

الف- متاسفانه رفتار با جنس مخالف در مدرسه‌های ایران تدریس نمی‌شود. نحوه رفتار محترمانه با جنس مخالف، در هر پوشش لباس که باشد، باید در مدارس و تلویزیون تدریس شود.

ب- مردم باید آسایش داشته باشند و هرجور دوست دارند لباس بپوشند. ولی صحنه‌های سکس در فیلم‌ها آسایش و هارمونی جامعه ایران را برهم می‌زند. می-بایست نهادهای نظارتی کافی برای حمایت از زنان و

مردان هنرمند باشد تا هم آزادی هنری[۲۷] و هم محافظت کافی فراهم شود[۲۸].

پ- همجنسگرایی و دگرباشی می‌بایست در چهارچوب قانون تعریف و تحمل گردد ولی تبلیغ نشود[۲۹].

ت- محافظت از کودکان[۳۰] در برابر محتواهای جنسی و خشن باید انجام شود تا رشد جسمانی ایشان مختل نگردد.

---

27 Freedom of Expression.

28 تا باعث فاجعه‌هایی که در غرب تجربه شده، همچون رسوایی Weinstein نگردد.

29 ما نمی‌خواهیم که با کپی صرف فرهنگ غرب، جامعه ایران را شوکه کنیم.

30 افراد زیر هجده سال

ث- هرگونه ارتباط جنسی به سن بالای ۱۸ سال موکول گردد تا خطرات برای کودکان کاهش یابد و بلوغ فکری جامعه ایران افزایش یابد[۳۱].

ج- زنان و کودکان باید با قوانین سختگیرانه و بازدارنده در برابر تجاوز و تعرض جنسی یا خشونت محافظت شوند.

چ- مواد مخدر می‌بایست جلوگیری گردد. در حال حاضر جمهوری اسلامی از گسترش افیون مواد مخدر برای ناکار نمودن جوانان ایرانی استفاده می‌کند. توقف همه گونه مواد مخدر و کمک به ملت بیچاره ایران برای بهبود از اعتیاد همه گیر، می‌بایست که در

---

31 در حال حاضر مشکل فحشا در سن پایین و ازدواج خردسالان در کشور موجود است. ایجاد یک قانون سختگیرانه برای سن ازدواج می‌تواند کودکان بسیاری را نجات دهد.

در ضمن نمی‌خواهیم با قوانین ضعیف، Pedophileهای اطراف جهان را برای شکار کودکان، به داخل ایران دعوت کنیم.

سرلوحه حکومت جدید باشد. این امر درباره الکل نیز صدق می‌کند. گرچه آزادی مصرف الکل برای جشن‌ها و مهمانی‌ها در مقدار مناسب و متعادل قابل تحمل است ولی داشتن ملتی از معتادین به الکل یا مواد مخدر نماد آزادی و دموکراسی نیست.

9- بنیان‌های اخلاقی

هیچ کس برای یک جنبش بی‌اخلاق فداکاری نمی‌کند.

هر جنبشی نیاز به یک چهارچوب اخلاقی دارد.

تبلیغ ارزش‌های غربی‌ها جاذبه‌ای ندارد، ما نیاز به اخلاقیات خودمان داریم. اخلاقیاتی پیشرو که در هارمونی و هماهنگی با واقعیات حال حاضر جامعه‌ی ایران قرار داشته باشد.

ما باید ثابت کنیم که قرار نیست پسا جمهوری اسلامی ورطه سقوط اخلاقیات ایرانی باشد. هیچ فرد ایرانی دوست ندارد خارجی‌ها را ببیند که صف کشیده‌اند تا با پرداخت اندکی پول، زنان ایرانی را بکنند. بنابراین هیچ گونه فاحشه‌خانه و شغل جاکشی نباید وجود داشته باشد.

آزادی‌های زنان همچون پوشش آزاد، حق طلاق، ارث برابر و مسافرت خارج بدون اجازه گرفتن از مرد، باید به ایشان اعطا گردد.

می‌بایست که عزت زنان حفظ گردد و **زن ایرانی به عنوان محترم‌ترین و ارزشمندترین موجود جهان معرفی گردد**[۳۲]. امری که در زمان ساسانیان

32 زن ایرانی چنان با ارزش و احترام است، که به افتخارش تاج محل ساخته شده است.

یک اصل جامعه ایران بود و با حمله اعراب به فراموشی سپرده شد.

جمله‌ای در فارسی وجود دارد که این مطلب را به خوبی بیان می‌دارد: "مگه خودت خواهر و مادر نداری؟"

هرموقع کسی معتقد است فاحشه‌خانه چیز خوبی است، مادر خودش را سه ماه بفرستد تا در فاحشه‌خانه-ای کثیف تحت مدیریت یک غولتشن جاکش کار کند. نمی‌توان برای دیگران نسخه پیچید و خویشتن را بر قله برتری حفظ کرد.

پنج - بیرون کشیدن زهر جمهوری اسلامی از رگ های ایران

1- جمهوری اسلامی متشکل از جنایتکارانی است که سال‌هاست به قتل و غارت ایران مشغولند.

لیدرهای مخالف باید قول مجازات جنایتکاران را بدهند. اکثر کسانی که به طور فعال آماده هستند علیه جمهوری اسلامی مبارزه کنند، یک عضو خانواده یا دوست‌شان توسط خوک های رژیم کشته شده است. بنابراین عدالت طلبی برای ایشان نخستین انگیزه پیوستن به جنبش می‌باشد[۳۳].

33 من یک نفر را می‌شناسم که عضو کمیته های انقلاب بوده و در زندان های مخوف رژیم به شکنجه و قتل می‌پرداخته است. او به طور اخص وظیفه تجاوز به دختران باکره پیش از اعدام‌شان را بر عهده داشته است. او با استفاده از رانت خود، دلار ارزان دولتی دریافت می‌نماید و یک کارخانه در حاشیه شهر تهران ایجاد نموده و کارآفرین نمونه شده است. او و خانواده‌اش پاسپورت یک کشور غربی را گرفته‌اند و گاها برای جابجایی ثروت به آن کشور سفر می‌کنند. دختر و عروس‌ش بی‌حجاب هستند.

جناب آقای کمیته‌ی انقلاب، ادای تحول یافته و باکلاس را درمی‌آورد. پسران‌ش مدیران کارخانه می‌باشند و همچنان فعالانه چماقداران رژیم را به عنوان مدیر و رئیس و سرکارگر به خبرچینی در میان کارگران و مهندسان کارخانه گماشته‌اند.

2- مشکل دیگری که جمهوری اسلامی ایجاد نموده، فرهنگ نژادبازی، پارتی‌بازی و رانت است. می‌بایست نژادبازی از کشور ریشه کن شود و همه‌ی ایرانیان یکسان شوند.

ولی حتی پس از براندازی رژیم نیز، ایادی جمهوری اسلامی همچنان به گسترش نژادبازی و تفرقه افکنی میان ایرانیان خواهند پرداخت. باید ایشان از تمامی نقاط قدرت برچیده شوند تا فرهنگ کشور شروع به تصحیح کند.

همه صنایع و شرکت های ایران توسط جنایتکاران رژیم تصاحب شده‌اند، همه اموال این خوک‌های ضد ایرانی باید از ایشان گرفته شود تا قدرت‌شان را از

چنین افرادی باید کنار گذاشته شوند و گرنه جمهوری اسلامی را بازمی‌گردانند. همان‌طور که طالبان توانست به حکومت افغانستان بازگشت کند.

دست بدهند، دیگر نتوانند فرهنگ ایران را مسموم کنند و مزدوران عراقی و افغانی را برای بازگشت به قدرت استخدام کنند.

مبارزه با رژیم در خارجِ مرزهای کشور

آمار دقیقی از تعداد ایرانیان خارج از کشور موجود نیست. براساس آمارهای غیررسمی و تخمینی، حدود ده میلیون نفر ایرانی دو تابعیتی وجود دارد.

ناآرامی‌های ۱۴۰۱ یک چیز را آشکار ساخت، مشارکت ایرانیان خارج‌نشین بر ضد جمهوری اسلامی بسیار کمتر از حد انتظار و اندک می‌باشد.

تظاهرات‌های ایرانیان خارج‌نشین، اگرچه چند صد هزار نفری بود ولی همچنان به نسبت تعدادشان اندک محسوب می‌شد.

اکثر کسانی که مهاجرت می‌کنند به دنبال زندگی آرام هستند، پروسه مهاجرت و تطبیق فرهنگی با جامعه‌ی میزبان نیز زمان و انرژی فراوان از افراد می‌گیرد. در نتیجه کمترین تهدید، افراد را از هرگونه اقدام علیه جمهوری اسلامی منصرف می‌سازد. فرزندان ایادی جمهوری اسلامی لابلای جامعه ایرانیان خارج کشور حضور دارند و باعث ترس افراد می‌شوند.

بسیاری از ایرانیان مهاجر ممکن است که در وهله‌ای از زمان خویشتن را سلطنت‌طلب یا ضد جمهوری اسلامی نمایش دهند ولی بهرحال از دردسر گریزانند و وقتی پاسپورت خارجی دریافت می‌کنند، ترجیح می‌دهند که در سکوت زندگانی کنند.

از سوی دیگر دولت‌های غربی علیرغم تقابل زبانی با جمهوری اسلامی، همچنان عوض شدن رژیم را در برنامه ندارند[۳۴].

اگر شما در خارج کشور ساکن هستید و قصد دارید با جمهوری اسلامی مبارزه کنید می‌توانید موارد زیر را امتحان کنید:

---

34 تا زمانی که دلار حاصل از نفت ایران توسط بچه آخوندها به بانک‌های غربی فرستاده می‌شود، غربی‌ها اهمیتی نمی‌دهند که چه کسی در ایران حکومت می‌کند.

ما می‌بایست کاری کنیم که عوض کردن جمهوری اسلامی با یک حکومت سکولار در لیست اولویت‌های دولت‌های غربی و آمریکا قرار بگیرد. یعنی دلایل کافی برای اینکه ایشان با ما همراهی کنند را ارائه کنیم.

هرچند که "ایران دموکراتیک سکولار و یکپارچه"، به یک متحد مطمئن برای آمریکا در غرب آسیا بدل خواهد شد. ولی متاسفانه ساکنان کاخ سفید، نسل اندر نسل، این منفعت کشورشان را نادیده گرفته‌اند. شاید چون کوته‌بین گشته‌اند، الکی نیست که غربی‌ها تا خرخره در منجلاب چین گیر افتاده‌اند.

ایران، راه پیروزی بر چین و روسیه است.

1- عدم مشروعیت جمهوری اسلامی و ماهیت افغانی-عراقی رژیم جمهوری اسلامی را نزد دوستان غیر ایرانی توضیح دهید و اگر رسانه‌ای در اختیار دارید گسترش دهید. توضیح دهید که ایشان نماینده ایران و ایرانیان نیستند.

2- می‌بایست آینده‌ای که برای ایران آرزو داریم را به طور واضح و بدون رودربایستی توضیح و تبلیغ کنید. مواردی که می‌توانید برای خارجی‌ها توصیف کنید، در بخش‌های پیشین این مقاله بیان شده است.

می‌بایست که تصویری کامل از آرزوی خود برای آینده‌ی ایران داشته باشیم تا دیگران بفهمند الکی سخن نمی‌گوییم. اگر امکان ایجاد گروه یا جلسات را

دارید حتما دریغ نکنید و از آزادی بیان در غرب نهایت استفاده را ببرید.

3- بسیاری از ایادی رژیم پاسپورت کشورهای غربی را دریافت نموده‌اند. ایشان یا اعضای فامیل‌شان در جمهوری اسلامی پست و مقامی دارند یا آنکه از طریق رانت صاحب صنایع یا شرکتی در ایران هستند. شاید ظاهرا کراوات بزنند و علیه رژیم سخن بگویند ولی در عمل دشمن ایران و ملت ایران هستند.

به دوستان خارجی خود این افراد را معرفی کنید و آبروی‌شان را بریزید. بیان کنید که ایشان با پولی که

از ایران می‌دزدند و به غرب می‌آورند تروریسم و خرابکاری را تامین مالی می‌کنند[35].

می‌بایست خطری که جمهوری اسلامی برای امنیت مردم عادی کشورهای غربی دارد، به خوبی به مردم این کشورها بیان گردد تا دولت‌های‌شان نتوانند جمهوری اسلامی را به عنوان مشکل دوردست در خاورمیانه نمایش دهند.

4- اگر خایه‌ای زیرتان دارید، می‌توانید آقازاده‌ها و ایادی جمهوری اسلامی را شناسایی کنید و به ایشان آسیب بزنید. منازعه را به خیابان‌های کشورهای غربی بکشانید. این امر باعث می‌شود مردم عادی کشورهای

---

35 پرداخت پول به خرابکاران برای گسترش آتش‌سوزی‌های کالیفرنیا و لس‌آنجلس. این مورد را کسی در سپاه پاسداران شنیده بود و با خنده تعریف می‌کرد که آمریکایی‌ها عجب احمق‌هایی هستند!

غربی، معضل جمهوری اسلامی را با اولویت بیشتری حس کنند.

اگر تجزیه‌طلب یا جدایی‌طلبی را ملاحظه کردید، به او یا اموال‌ش آسیب بزنید تا ساکت‌ش کنید.

رهبران تجزیه‌طلب[۳۶] که در غرب زندگی می‌کنند را ترور کنید. ایشان نوکران جمهوری اسلامی هستند که هر موقع ملت ایران قصد حرکتی دارد، سریع اظهار وجود می‌کنند تا تفرقه بیندازند.

---

36 همچون الکعبی، مهتدی

کلمه رمز مبارزه

از سال 1401 به اینطرف، رژیم عراقی–افغانیِ جمهوری اسلامی، تمام تلاش‌اش را می‌کند خودش را ایران معرفی کند، چرا؟

چون واژه‌ی ایران قوی‌ترین واژه در روان ایرانیان می-باشد. کلمه رمز ایران است. ایران یعنی تو، ایران یعنی من، ایران یعنی یک ذهنِ جمعی که برای هزاران سال در حافظه‌ی میلیون‌ها نفر زندگی کرده است.

ایران همان چیزی‌ست که پر و بال دارد، اندر تالار روحِ ما پرواز می‌کند، آواز بی‌واژه را می‌خواند و هرگز باز نمی‌ایستد[۳۷]. ایران زمین زیر پایِ ما و امید آینده‌ی فرزندان ماست.

[37] Emily Dickinson

فراموش نکنید که واژه‌ی **"ایران"** را به طور اخص در سخنان کامنت‌ها و شعارها قرار دهید[۳۸].

در سخنان خود نام شهرهای حساس مرزی، سنندج اهواز آبادان گرگان ارومیه تبریز زاهدان چابهار ایلام کرمانشاه، را جای دهید تا بر جدایی‌ناپذیر بودن این شهرها از ایران یکپارچه تاکید کنید.

لیست طرفداران جمهوری اسلامی

طرفداران و جیره‌خواران جمهوری اسلامی گروه‌های زیر می‌باشند[۳۹]:

38 بسیاری از تجزیه‌طلبان واژه‌ی وطن را استفاده می‌کنند ولی توضیح نمی‌دهند که منظورشان از وطن چیست و کجاست! می‌خواهند از آب گل‌آلود ماهی بگیرند.

39 اگه چیزی از قلم افتاده، خودتان به لیست اضافه کنید.

طرفداران رژیم:

پلیس ضدشورش، نیروی انتظامی، لباس شخصی، مبارز حرم، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بسیجی، چماقدار، مزدور افغانی عراقی و پاکستانی، پرستوها[40].

جیره‌خواران رژیم:

طرفدارِ حکومتِ فدرال[41]، طرفدار خودمختاری، مجاهدین خلق، جدایی‌طلبِ کورد، پژاک، جدایی-طلبِ تورک، جدایی‌طلبِ بلوچ، جدایی‌طلبِ ترکمن، جدایی‌طلبِ عرب و الاحوازیه، جدایی‌طلبِ مازنی،

---

40 یک عده‌ای از زنان تحت آموزش‌های جنسی همچون BSDM و Analقرار می گیرند. ایشان علاوه بر دادن خدمات جنسی به اعضای سپاه، به عنوان جاسوس و خبرچین میان مردم ظاهر می‌شوند. بی‌حجاب هستند و تا حدی که برای رژیم ضرر نداشته باشد مخالف حرف می‌زنند.

41 مثل علی‌نژاد، عبادی.

ایادی جمهوری اسلامی پول فراوانی در بانک‌های غربی دارند و به راحتی افراد را رشوه می‌دهند تا سخنان تجزیه‌طلبی بگویند. به طور مثال، شاهین نجفی (خواننده و چپی سابق) پیوسته فدرال و تجزیه‌طلبی را تبلیغ می کند. او می‌بایست جیره‌خوار جمهوری اسلامی باشد.

جدایی‌طلبِ خراسانی، مجاهدین خلق، دموکرات کوردستان.

سخن نویسنده

من این مقاله را دو–سه ماه پیش به رشته‌ی سخن درآوردم. لیک بسی اندیشه‌ی سخت بر من گذشت، تا خویشتن را قانع نمایم که آن را منتشر سازم.

این نامه نیمه‌کاره است. نیمی از آن همان متنی‌ست که خواندید. نیمِ دیگرش، خرد و اندیشه‌ی شماست.

خواهش می‌کنم، خرد خویش به کار بندید و متن این مقاله را با دیدگاهی انتقادی مورد هضم قرار دهید. هر آنچه خردتان و منفعت ایران حکم می‌کند را برگزینید. چیزهایی که صلاح ایران و ایرانی نیست را چشم‌پوشی کنید.

خواهش می‌کنم که اگر گزافه‌گویی یا تندگویی را ملاحظه می‌کنید، نویسنده را عفو نمایید که او دل سوخته و عاشق ایران است.

/عزیز غاز (تخلص)